

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٩٥٥٧٩



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد  
تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

**عنوان:**

نقد تربیت اخلاقی از دید ارسطو و ابن مسکویه و چگونگی بهره گیری از آن در آموزش امروز

**استاد راهنما:**

آقای دکتر صمد موحد

**استاد مشاور:**

آقای دکتر علیرضا محمود نیا

**پژوهشگر:**

نقیسه اصغری

۱۳۸۷ / ۳ / ۱۱

دی ۱۳۸۵

۲۵۵۷۹

دانشگاه تربیت معلم  
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه ذیل تحت عنوان: "نقد تربیت اخلاقی از دید ارسطو و ابن مسکویه و چگونگی بهره گیری از آن در آموزش امروز" به منظور دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت توسط نفیسه اصغری تهیه و تدوین شده است و در جلسه دفاعیه مورخه ۸۵/۱۰/۲۴ در حضور هیات داوران پس از دفاع با نمره ۱۸/۷۵ و با درجه عالی مورد قبول واقع گردید.

استاد راهنما: جناب آقای دکتر صمد موحد

استاد مشاور: جناب آقای علیرضا محمود نیا

داور داخلی: جناب آقای دکتر رحیمی قائدی

داور مهمان: جناب آقای دکتر محسن ایمانی

مدیر گروه و نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای دکتر علی عسگری

تقدیم به همسر م، دوستی که با حمایت های دلسوزانه خود من را  
در این راه همراهی کرد و با از خود گذشتگی کاستی ها را بر من  
بخشید. از خداوند مهربان سلامتی و شادی روز افزون برای او  
خواستارم.

و به پدر و مادر عزیزم که وجودم را از آنها دارم و همواره یاور من  
در تمام مراحل زندگی بوده اند. دستشان را می بوسم و آرزوی  
سلامت و بهروزی ایشان را دارم.

با سپاس بی نهایت از جناب آقای دکتر موحد که در مدت شاگردی در خدمت ایشان از لذت یادگیری بهره مند شدم و با تقدیر از زحمات بی دریغشان که فیلسوفانه من را در نگارش این پایان نامه هدایت فرمودند ، از خداوند مهربان برای ایشان آرزوی سلامتی و شادکامی را خواستارم .

و با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر محمودنیا که با راهنمایی های عالمانه و دقیق بنده را در تدوین این پژوهش یاری رساندند و در امر مشاوره این رساله زحمات بسیاری را متحمل شدند . برای ایشان موفقیت و شادکامی را از خداوند متعال آرزو می کنم

و با تشکر بسیار از جناب آقای دکتر قائدی که داوری این پایان نامه را قبول فرمودند و با راهنمایی های دقیق وارزنده خود بنده را در جهت تکمیل رساله یاری رساندند . با امید موفقیت و بهروزی ایشان .

و با تقدیر و تشکر از جناب آقای دکتر ایمانی که با وجود دوری راه و سختی های فراوان به عنوان داور مهمان داوری این رساله را به عهده گرفتند و من از نکات و دقایقی که ایشان بیان کردند در جهت تکمیل پژوهش استفاده نمودم . با آرزوی موفقیت روز افزون ایشان.

و با سپاس و تشکر بی پایان از جناب آقای دکتر علی عسگری ، مدیر گروه محترم که با راهنمایی و حمایت ایشان در جهت دفاع از رساله و تکمیل آن موفق به انجام این امر شدم . از خداوند متعال سلامتی و موفقیت ایشان را درخواست دارم.

## به نام زیبا ترین ذهن هستی

چکیده :

این تحقیق تحت عنوان " نقد تربیت اخلاقی از دید ارسطو و ابن مسکویه و چگونگی بهره گیری از آن در آموزش امروز " نگاشته شده است. هدف این پژوهش شناخت اصول و روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه این دو فیلسوف و استفاده از آنها در آموزش نوین امروزه می باشد. در این تحقیق تعاریف تربیت و تربیت اخلاقی و علم اخلاق که ارسطو در کتاب اخلاق نیکو ماخس و ابن مسکویه در کتاب تهذیب الاخلاق به آنها اشاره کرده اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

در متن با توجه به متون کتابهای ذکر شده و مطالعه شرحها و تفاسیری که در این زمینه موجود می باشد، اصول و روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه هر یک از این دو فیلسوف تدوین و بیان شده است. با مطالعه دقیق آثار ابن مسکویه در زمینه اخلاق به شباهتهایی در برخی از وجوه نظریه اخلاقی او با ارسطو اشاره شده است. شباهتهایی مانند تعریف سعادت و خوشبختی و تعریف خصوصیات اخلاقی افراد و شرح و دسته بندی فضایل و رذایل و نقش جامعه در سعادت مند شدن انسان. آنچه که از نظریات این دو فیلسوف به صورت نتیجه و جمع بندی می توان بیان کرد به شرح زیر می باشد :

اخلاق ارسطو غایت گرایانه است، او معتقد است که همه افعال انسان در واقع برای رسیدن به غایتی واحد است و این غایت، خیر نهایی و بالاترین آن است، یعنی سعادت که همراه با لذات خوب است. ارسطو سعادت را مفهوم کلیدی اخلاق می دانست و عمده تلاش او در حوزه اخلاق و راستای تعریف آدمی بوده است.

اخلاق ارسطو چند مشخصه بارز دارد که در زیر می توان به آنها اشاره کرد:

- ۱- شناخت انسان و سرشت و ذات او، زیرا سعادت همان شکوفایی ذات و طبیعت انسانی است.
- ۲- شکوفایی عقلانی فرد احتیاج به زمینه دارد، جامعه این زمینه را برای او فراهم می کند و انسان باید از سلامتی و رفاه نسبی برخوردار باشد تا به تربیت اخلاقی دست پیدا کند.
- ۳- انسان در صورت دارا بودن علم و عمل به سعادت دست می یابد، و تنها داشتن عقل برای سعادت مند شدن کافی نیست بلکه انسان باید به آنچه که می آموزد عمل کند.
- ۴- عمل اخلاقی هر فردی باید برخاسته از فضیلت اخلاقی باشد، و انسان با یک یا چند عمل اخلاقی خاص به سعادت نمی رسد بلکه با تجمع همه فضایل در وجود خود می تواند به خیر اعلی نایل شود.
- ۵- اخلاق، امری مطلق است، و سعادت همه افراد یکسان است چون ذات و سرشت آدمیان مشترک است.
- ۶- رعایت اصل حد وسط در امور، این بخش بسیار مهم که درباره آن بحث شده است، یادآور اعتدال در میان همه امور است و فضیلت یعنی رعایت حد وسط بین افراط و تفریط.

ابن مسکویه نیز شالوده نظریه اخلاقی خود مبتنی بر سعادت نهاده است و سعادت را دارای مراتبی می‌داند که پائین‌ترین آن مربوط به حیات مادی است و عالی‌ترین مرتبه آن مربوط به آخرت است که از آن به عنوان سعادت تام یاد می‌کند.

فلسفه اخلاق ابن مسکویه نیز دارای خصوصیتی است که شامل:

۱- اجتماعی شدن یکی از خصیصه‌های اصلی اخلاق ابن مسکویه است. اخلاق از دید ابن مسکویه یعنی اجتماع همه فضایل اخلاقی در انسان بوسیله تعلیم و تربیت به طوری که همه اعمال فردی و جمعی را شامل شود و فرد باید با همکاری یاران نیکو کار خود و با تمرین و ممارست به سعادت راه پیدا کند.

۲- سعادت دوگانه، که شامل سعادت دنیا و آخرت می‌شود و تحقق هر کدام در گرو دیگری است.

۳- مطابقت عمل اخلاقی با فضیلت اخلاقی، که در پیش هم به آن اشاره کردیم یعنی عمل کردن به آنچه که در اخلاق فطری وجود دارد.

۴- رعایت حد وسط در انجام همه افعال.

لازم به ذکر است اصول و مبانی تربیت اخلاقی ایشان در فصل پنجم با روشهای نوین امروزی مقایسه شده و از آنها در زمینه تربیت اخلاق کودکان و نوجوانان استفاده گردیده است.

## فهرست عناوین:

### فصل اول

#### کلیات تحقیق

۱۱-۲	بیان و اهمیت مسئله
۱۷-۱۲	واژگان
۱۷	اهداف تحقیق
۱۷	سئوالات تحقیق
۲۰-۱۸	ضرورت تحقیق
۲۰	روش تحقیق
۲۰	محدودیت‌های تحقیق
۲۱	استفاده کنندگان از نتایج
۲۱	پیشینه تحقیق

### فصل دوم

#### تاریخچه

۲۷-۲۵	مقدمه
-------	-------



۲۷	عصر بنستان
۲۸	سقراط
۲۹	افلاطون
۳۰-۳۲	ارسطو
۳۲	فارابی
۳۲	ابن سینا
۳۳	غزالی
۳۳	خواجہ عیروالدین طوسی
۳۴-۵۳	ابن مسکویه
۳۵-۳۷	اخلاق اسلامی
	فصل سوم
	ارسطو
۳۹-۴۳	زندگینامہ
۴۳-۴۷	سعادت
۴۷-۵۱	فضایل
۵۱-۵۲	فضیلت اخلاقی
۵۲-۵۴	شجاعت

- ۵۴ ----- اعتدال -
- ۵۵ ----- سخاوت -
- ۵۵ ----- کرم -
- ۵۶ ----- بزرگمنشی -
- ۵۶ ----- مدارا -
- ۵۷ ----- رأفت -
- ۵۸ ----- راستی -
- ۵۹ ----- ذوق سلیم -
- ۵۹ ----- عدالت -
- ۶۰-۶۲ ----- فضایل عقلی -
- ۶۲ ----- حکمت عملی -
- ۶۳ ----- دوستی -
- ۶۴-۶۵ ----- اراده -
- ۶۶ ----- انتخاب عقلانی -
- ۶۷-۷۰ ----- تربیت -
- ۷۰ ----- اصول تربیت اخلاقی -

- عمل گرایی ----- ۷۱
- تمرین و تکرار ----- ۷۱
- انتخاب عقلانی ----- ۷۴-۷۲
- حد وسط ----- ۷۵-۷۴
- واقع نگری ----- ۷۵
- خردورزی ----- ۷۸-۷۶
- فلسفه اخلاق ----- ۸۱-۷۸
- لذت و الم ----- ۸۳-۸۲

### فصل چهارم

#### ابن مسکویه

- زندگینامه ----- ۸۷-۸۶
- خیر و سعادت ----- ۹۱-۸۹
- خلق و راه کمال ----- ۹۵-۹۱
- فضایل رئیسه ----- ۹۵
- حکمت ----- ۹۵
- عفت ----- ۹۶
- شجاعت ----- ۹۶

- ۹۹-۹۷ ----- عدالت -
- ۱۰۲-۱۰۱ ----- انسان و تربیت اجتماعی
- ۱۰۷-۱۰۲ ----- محبت
- ۱۱۰-۱۰۷ ----- صداقت
- ۱۱۳-۱۱۱ ----- اخلاق
- ۱۱۵-۱۱۳ ----- روش های تربیت های اخلاقی
- ۱۱۵ ----- اصول تربیت اخلاقی
- ۱۱۶ ----- اجتماعی شدن -
- ۱۱۶ ----- شناخت انسانها و استعدادهايش -
- ۱۱۶ ----- آموزش -
- ۱۱۷ ----- محبت -
- ۱۲۱-۱۱۸ ----- صحت نفس
- ۱۲۳-۱۲۲ ----- شفای نفس
- ۱۲۵-۱۲۳ ----- ترس
- ۱۲۵ ----- حزن

## فصل پنجم

### آموزش امروز

مقدمه ----- ۱۲۹

جنبه های مختلف رشد ----- ۱۳۰

----- جنبه بدنی ----- ۱۳۰-۱۳۱

----- جنبه عقلانی ----- ۱۳۲-۱۳۳

----- جنبه عاطفی ----- ۱۳۳-۱۳۷

تربیت امروز ----- ۱۳۷-۱۴۱

عادت ----- ۱۴۱-۱۴۴

### نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری ----- ۱۴۶-۱۵۰

پیشنهادات ----- ۱۵۱

منابع و مأخذ ----- ۱۵۲-۱۵۴

# فصل اول

کلیات تحقیق

## بیان و اهمیت مسئله :

آنچه امروزه ما را در هزاره سوم، در قرن آشوبهای اجتماعی و دغدغه های تربیتی، به اندیشه واداشته است این است که راه نجات چیست ؟

صاحبنظران و متفکران بزرگ در طول قرون متمادی ، هر کدام به طریقی خواسته اند که به این سوال پاسخ بدهند. هر روزه ما با انبوه توصیه ها و پنندهای گوناگون مواجه هستیم و هرکس بنا به روش خود در این مسئله تامل می کند. اما همه این چالشها تنها یک پاسخ دارد: اخلاق.

نظام هر جامعه مبتنی بر اخلاق است . می توان تصور کرد جامعه ای را که افراد در آن بدون رعایت اخلاقیات و با توسل به هر گونه رفتار ضد قانون زندگی می کنند!

در جامعه کنونی ما نوعی عدم تعادل بر اثر فراموشی بنیادها و پایه های اخلاقی شایسته و کهن بوجود آمده که به سبب هجوم انبوه تبلیغات ضد اخلاقی و پدیدار شدن مکاتب و ایسم هایی که بر علیه اخلاق عصیان کرده اند ، هر روز آشکارتر می شود. در تمامی جوامع از دیرباز دغدغه همه انسانها به خصوص پیامبران آسمانی و حکیمان، ساختن جامعه ای مبتنی بر اخلاق و آموزه های مثبت اخلاقی بوده است .

هدف غایی حیات انسان ، کمال است یعنی تحقق قوایی که در وجود او نهفته است. علم اخلاق با شناساندن افعال درست و نشان دادن فضائل و رذائل ، انسان را برای رسیدن به کمال راهنمایی می کند. علم اخلاق علاوه بر شناسایی فضائل و رذایل ، ارزش افعال انسان را نیز مشخص می نماید . هر علمی پدید آورنده فضایل نفسانی نیست ، بنابراین در علم اخلاق افعالی که پدید آورنده فضیلت هستند شناسایی می شوند .

از مطالب ذکر شده در بالا ، اهمیت علم اخلاق را می توان دریافت ، اهمیت علم اخلاق به سبب اهمیت اخلاق است. اخلاق سبب اصلاح همه روابط انسان و نتیجه آن رسیدن به تعادل واقعی خواهد بود . مقصود از تعادل واقعی انسان این است که آرزوها و افعال انسان با استعدادها ، نیازها و غایات وجودی او هماهنگ شود.

برای شناخت ویژگی های انسان متعادل باید از هست ها آغاز کرد ، یعنی باید غایت وجود انسان ، استعدادهای او و نیازهای او را شناخت آنگاه می توان انگیزه های او را به سوی آرزوهای دست یافتنی و متناسب با کرامت و جایگاه وجودی او جهت بخشید و مقدمات لازم برای رسیدن به آن آرزوها را فراهم کرد.



مهمترین مقدمه برای رسیدن به آرزوهای شایسته انسان ، آگاهی از کمال و راه های رسیدن به آن است و علم اخلاق این آگاهی را در اختیار انسان قرار می دهد.

علمای اخلاق بطور معمول ، علم به صفات پسندیده را علم اخلاق می دانند. در علم اخلاق انواع صفات انسانی مطرح شده و صفات خوب از صفات ناشایست تمیز داده می شود. یکی از بخشهای مهم علم اخلاق تربیت اخلاقی می باشد . مراد از تربیت اخلاقی چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت ها و نابود کردن آنها است.

در تربیت اخلاقی رویکرد اصلی متوجه پرورش استعدادهای اخلاقی و رسیدن به کمالات انسانی است. بنابراین بررسی مبانی اخلاق و تربیت اخلاقی در آثار حکما و فیلسوفان و مرییان تربیتی با اهمیت است.<sup>۱</sup>

فلسفه اخلاق نام جدیدی است بر موضوعی قدیمی که جوانه های آن در میان یونانیان و مسلمانان بوده اما شکوفایی آن به اوایل قرن بیستم می رسد . فلسفه اخلاق عهده دار تحقیق درباره مبادی علم اخلاق است. در علم اخلاق گفته می شود که چه کاری خوب و چه کاری بد است. اما در فلسفه اخلاق ، گفته می شود که خوب و بد ریشه در کجا دارد و ملاک تقسیم کارها به خوب و بد چیست و چرا کاری خوب و کار دیگری بد دانسته می شود.

برای علم اخلاق تعاریف مختلفی ذکر کرده اند که می توان آنها را در دو دسته کلی

جای داد:

۱- تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم و شناخت

۲- تعریف علم اخلاق با تاکید بر عمل و رفتار اخلاقی

خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف خود از علم اخلاق نقش شناخت را برجسته کرده و می گوید: علم اخلاق علمی است که نفس انسانی چگونه خُلُق اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او از او صادر می شود جمیل و محمود بود.

اما برخی دیگر از اندیشمندان در تعریف علم اخلاق بیشتر بر جنبه عملی و رفتاری آن تاکید کرده اند: علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد.

اخلاق بنابه تعریف عبارت است از مجموعه ملکات نفسانی<sup>۱</sup> و صفات و خصایص روحی<sup>۲</sup>. اخلاق در این معنا، یکی از ثمرات تربیت بلکه مهمترین ثمره آن است. بر این اساس تربیت فعلی است که اخلاق خاص آن است اگر چه تمامی آن نیست. حاصل و نتیجه تربیت دایره وسیع تر از صفات و خصوصیات اخلاقی را در بر می گیرد ولی چون پرورش استعدادهای دیگر بطور غیر مستقیم در پرورش اخلاقی انسان نقش دارند، لذا در علم اخلاق از این مباحث نیز بحثهای به میان می آید. گر چه این قبیل مباحث مستقیماً مباحث

---

۱ - وقتی عملی به طور مکرر انجام پذیرد، در هر بار معنی حاصل از آن عمل در روح انسان اثر می گذارد و پس از مدتی در روح رسوخ پیدا کرده و در نفس مستقر می شود. در این صورت گفته می شود که آن صفت به صورت ملکه در آمده است.

۲ - گاهی اخلاق در معنای وسیع خود به صفات و افعال هر دو اطلاق می شود و گاهی تنها در معنای مثبت آن از نظر ارزشی به کار می رود، مثلاً وقتی گفته می شود انسان دارای، تمایلات اخلاقی است، منظور معنای اخیر آن است.

اخلاق را تشکیل نمی دهند ، ولی به عنوان مقدمه ای ضروری برای تربیت اخلاقی مورد مطالعه قرار می گیرند<sup>۱</sup>.

بررسی تربیت اخلاقی از دید ارسطو و مقایسه آن به ابن مسکویه هدف این تحقیق می باشد از آنجائیکه این دو فیلسوف در زمینه اخلاق کتابهای مستقلی دارند ایشان را به عنوان فیلسوفان تربیتی که در این زمینه به طور خاص به تفکر پرداخته اند انتخاب کرده ام . یک فیلسوف از پیشگامان فلسفه یونان و دیگری استادی از فلسفه اسلامی . قبل از معرفی این دو فیلسوف ، به شرح مکتبی می پردازیم که هر دو متعلق به آن هستند.

زیر بنای نظریه اخلاقی در بیشتر مکاتب ، سعادت است. در مکاتبی که سعادت، غایت انسان است تمامی دستورات و قوانین اخلاقی بر پایه سعادت بیان می شود. در اسلام نیز کتاب های اصیل اخلاقی براساس آن بنا نهاده شده است. در جامع السادات نراقی آمده است. هدف از تهذیب نفس ، پاک شدن از رذیلت ها و تکمیل آن به فضیلت ها رسیدن به هنر و سعادت است.<sup>۲</sup>

البته اخلاق به معنی هر چه که انسان را به سعادت برساند . مفهوم وسیعی است که تمام اعمال و کردارهای انسان را شامل می شود. در میان دانشمندان غیر اسلامی نیز عده زیادی مبنای اخلاق را بر سعادت نهاده اند . کاپلستون درباره این مطلب می گوید : اخلاق افلاطون مبتنی بر جستجوی سعادت و نیکبختی است ، به این معنی که در جهت حصول

---

۱- اخلاق اسلامی ، سادات ، ص ۲۲

۲- جامع السادات، ج ۱، ص ۳۷

بالاترین خیرانسان، که داشتن آن سعادت و نیکبختی حقیقی را در بردارد، هدایت شده است.

## ارسطو

ارسطو فیلسوفی از فلاسفه یونان باستان است. او شاگرد افلاطون بود. ارسطو مانند افلاطون بر آن است که تربیت بیش از هر چیز کار و وظیفه زمامداران جامعه است. از اینجاست که او نیز بحث درباره تربیت را بخشی از آئین کشورداری شمرده و در کتابهایی که درباره آئین کشورداری و اخلاق نوشته است به بحث درباره آموزش و پرورش پرداخته است. ارسطو معتقد است که تربیت را باید با پدید آوردن عادت های خوب آغاز کرد. زیرا خرد تنها بر کسی فرمانروا خواهد بود که عادت های پسندیده در او پدید آمده باشد. اگر چنین زمینه ای در میان نباشد، از آنجا که دانستن اینکه چه چیز نیک است با نیک بودن یکی نیست، چه بسا که طبیعت و خوی آدمی آدمی با خرد هماهنگ نشود و نه تنها نیکبختی که در هماهنگی طبیعت، و خرد است ممکن نگردد بلکه آدمی با خود در ستیز مدام باشد. به نظر ارسطو همانا تربیت احساسات آدمی است که او را به سوی هنر اخلاقی می برد و نه تربیت خرد و باز از همین روست که می گوید کودک را باید از شنیدن داستان های بد و همنشینی با بدان باز داشت کتاب اخلاق نیکو ماک ارسطو نیز در این زمینه نگاشته شده است.<sup>۱</sup>

ارسطو نماینده مهم مکتب اخلاق غایت گراست و در این زمینه معتقد است که انسان برای آنکه بداند چه کاری را انجام دهد لازم است ابتدا تصویری از غایت اصلی زندگی و

۱- نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ۱۳۸۴، ص ۳۷